

مقدمه

در برخی از روایات با تعبیر «أَعْرَبُوا الْقُرْآنَ» به اعراب قرآن امر و سفارش شده است. مشابه این روایات و با همین تعبیر در منابع شیعی نسبت به اعراب حدیث، این توصیه دیده می‌شود؛ مانند: «أَعْرَبُوا حَدِيثَنَا فَإِنَّا قَوْمٌ فَصَحَاءٌ». واژه «اعربوا» در این روایات فعل امر از مصدر «اعراب» است؛ اما با توجه به اینکه واژه اعراب در لغت و اصطلاح کاربردهای گوناگون و پرشمار دارد، باید پیش از هر چیز روشن شود اعربوا در این روایات مشتق از اعراب به کدام معناست؛ زیرا معنای اعربوا، متناسب با هر کاربرد، متفاوت خواهد بود.

اختلاف در معنای اعراب سبب شده است که مفسران، شارحان حدیث و دانشمندان علوم قرآن درباره معنای این احادیث، به اشکال گوناگون سخن گویند: برخی «اعربوا» را فعل امر از اعراب به معنای اظهار کردن و روشن ساختن دانسته و امر در این روایات را، به بیان معنای کلمات و عبارات قرآن، یا ادای کلمات قرآن از مخارج حروف و رعایت قواعد تجوید معنا کرده‌اند؛ اما برخی آن را فعل امر از اعراب به معنای اصطلاحی یعنی حرکات آخر کلمات معرب به شمار آورده و امر در این روایات را مُعْرَب خواندن کلمات قرآن و رعایت قواعد ادبیات عرب معنا کرده‌اند. بنابراین اختلاف دانشمندان در معنای این روایات، ناشی از این است که «اعربوا» مشتق از اعراب به کدام معناست: آیا مشتق از اعراب به معنای اظهار و بیان است یا مشتق از اعراب به معنای حرکت‌گذاری کردن کلمات و اعراب دادن آنهاست.

در زمینه پیشینه این بحث، به کتاب یا مقاله‌ای که به جمع‌آوری و شرح و تفسیر این روایات پرداخته باشد دست نیافتم. تنها شارحان حدیث و مفسران در ضمن کتاب‌های حدیث، شرح حدیث و علوم قرآن برخی از این روایات را معنا کرده‌اند؛ چنان‌که برخی از اهل لغت و غریب‌نویسان نیز به مناسبت واژه اعراب تعدادی از این روایات را ذکر و معنا کرده‌اند. پرسش اصلی در این مقاله این است که واژه «اعربوا» در این روایات مشتق از اعراب به کدام معناست و مقصود از آن چیست؟ برای پاسخ به این پرسش، روایاتی را که در این موضوع در کتب شیعه و سنی وارد شده جمع‌آوری می‌کنیم و به بررسی و شرح و تفسیر آنها می‌پردازیم.

۱. روایات «أَعْرَبُوا الْقُرْآنَ»

الف. علی بن ابراهیم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن سليم الفراء، عن أخبره عن أبي عبد الله ع قال: «أعرب القرآن فإنه عربي» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۱۵). مصدر اصلی این روایت، کتاب شریف کافی

کاوشی در شرح و تفسیر روایات اعراب القرآن

ataheriarani@yahoo.com

احمد طاهری‌نیا/ استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ع

دریافت: ۱۳۹۴/۵/۱۰ - پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۶

چکیده

برخی روایات با تعبیر «أَعْرَبُوا الْقُرْآنَ» به اعراب قرآن امر کرده است. مفسران، دانشمندان علوم قرآنی و شارحان حدیث، احتمالات مختلفی درباره معنای این روایات مطرح کرده‌اند. این پژوهش با هدف تبیین بهتر و روشن‌تر این روایات به بررسی، شرح و تفسیر آنها پرداخته و به این نتیجه رسیده است که «اعربوا» در برخی از این روایات، از اعراب به معنای اثر ظاهر یا مقدری مشتق شده است که به موجب عوامل مختلف در آخر کلمات مُعْرَب آورده می‌شود؛ در نتیجه «اعربوا» در آنها امر به درست خواندن کلمات قرآن از نظر اعراب است که خلاف آن «لحن» به معنای خطا در اعراب کلمات است. در برخی دیگر نیز «اعربوا» از اعراب، به معنای روشن و بیان کردن معانی کلمات مشتق شده، و امر به تأمل و تدبر در معنای کلمات و آیات قرآن است.

کلیدواژه‌ها: اعراب، لحن، اعربوا القرآن، اعربوا حدیثنا، روایات اعراب القرآن.

۲. بررسی سند

این روایات از نظر سند درخور تأمل و خدشه‌پذیرند؛ زیرا هر سه روایتی که از منابع شیعی نقل شد مرسله هستند؛ اما با توجه به اینکه روایت «أعرب القرآن فإنه عربي» در *کافی* شریف آمده و طبق مبنای برخی از دانشمندان، روایات *کافی* معتبر است، و با در نظر گرفتن این امر که ارسال این روایت نسبت به بعد از محمد بن ابی عمیر است و طبق مبنای برخی از دانشمندان رجال، مرسلات ابن ابی عمیر مانند مسندانش اعتبار دارد، می‌توان دربارهٔ صدور روایت اول از معصوم مطمئن بود. از سوی دیگر روایت دوم که از امام باقر^ع است از نظر لفظ و تعبیر مساوی با روایت اول است و اضافه‌ای بر آن ندارد؛ لذا این روایت مؤید صدور آن است. از سوی سوم از آنجاکه عبارت «اعربوا القرآن» در هیئت جمع یا «اعرب القرآن» در هیئت فرد، میان همهٔ این روایات مشترک است، می‌توان ادعا کرد این روایات نسبت به مضمون «اعربوا القرآن» استفاضه دارند؛ در نتیجه نسبت به صدور اعربوا القرآن در ضمن یکی از این روایات اطمینان نسبی حاصل می‌شود؛ گرچه دربارهٔ صدور تک‌تک این روایات از معصوم اطمینانی وجود نداشته باشد.

امر دیگری که می‌تواند مؤید صدور این مضمون از معصوم باشد، روایاتی است که دربارهٔ اعراب الحدیث از ائمهٔ اهل‌بیت^ع وارد شده و برخی از آنها صحیح است؛ مانند صحیح‌هٔ جمیل بن دراج از امام صادق^ع که فرمود: «أعربوا حدیثنا فإننا قومٌ فصحاء» (کلینی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۵۲). همچنین مرحوم مجلسی از خط شیخ محمد علی جبایی و او از خط شهید و او از خط قطب‌الدین کیدری نقل می‌کند که امام صادق^ع فرمود: «أعربوا کلامنا فإننا قوم فصحاء» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۵۱). از این رو ضعف سند در تک‌تک این روایات دلیل بر طرد و عدم بررسی این روایات نیست و جا دارد که معنای اعربوا القرآن در این روایات بررسی شود.

۳. معنای اعراب

پیش از ذکر تفسیرها و ترجمه‌هایی که از این روایات شده و بررسی و نقد آنها، لازم است معانی واژهٔ اعراب را بیان کنیم:

ریشهٔ «ع ر ب» در لغت به معانی مختلفی مانند: بیان کردن و آشکار ساختن، نشاط و خوشحالی، فساد در جسم (ر.ک: ابن فارس، ۱۳۶۹، مادهٔ عرب)، عدم خطا در اعراب و فصیح شدن زبان آمده است (ر.ک: طریحی، ۱۳۶۴، مادهٔ عرب؛ فیومی، ۱۴۲۵، مادهٔ عرب). واژهٔ اِعراب باب افعال از مادهٔ عرب است. برای این کلمه نیز معانی پرشماری به قرار زیر نقل شده است:

است و محدثان متأخر مانند فیض کاشانی (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۹، ص ۱۷۴۲) و علامه مجلسی (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۲، ص ۵۰۱) آن را از همین منبع، نقل کرده‌اند؛

ب. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْأَبَاقِرِ^ع أَنَّهُ قَالَ: «وَأَعْرَبُوا بِهِ فَإِنَّهُ عَرَبِيٌّ» (دیلمی، ۱۴۰۸، ص ۱۰۱). این روایت بخشی از روایتی طولانی است که دیلمی از امام باقر^ع به ارسال نقل کرده است و در مصدر دیگری یافت نشد؛

ج. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ^ص: «أَعْرَبُوا الْقُرْآنَ وَالتَّمَسُّوْا عَرَابِيَّةً» (شهید ثانی، ۱۴۰۹، ص ۳۶۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۰؛ مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۸۹، ص ۱۰۶؛ نوری، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۳۷۲). مصدر اصلی این روایت در منابع شیعی، *منیه المرید و مجمع البیان* است و منابع دیگر از این دو کتاب نقل کرده‌اند.

اما در منابع روایی اهل سنت روایات اعراب القرآن به صورت‌های مختلفی به شرح زیر آمده است:

الف. حَدَّثَنَا عباد بن العوام، عن عبد الله بن سعيد بن أبي سعيد المقبري، عن أبيه، أو جده عن أبي هريرة، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «أعربوا القرآن» (قاسم بن سلام، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۴۸)؛

ب. حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا ابْنُ إِدْرِيسَ، عَنِ الْمُقْبَرِيِّ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم: «أَعْرَبُوا الْقُرْآنَ وَالتَّمَسُّوْا عَرَابِيَّةً» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۴۷۷؛ هیشمی، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۱۶۳؛ ابن ابی شیبۀ، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۱۵۰؛ احمد بن علی بن مثنی، ۱۴۰۴، ج ۱۱، ص ۴۳۶؛ سیوطی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۷۳؛ متقی هندی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۶۰۷؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۶)؛

ج. حَدَّثَنَا إبراهيم بن أحمد الوكيعي ثنا أبي ثنا محمد بن فضيل عن ليث عن طلحة بن مصرف عن إبراهيم عن علقمة عن عبد الله رفعه قال: «أعربوا بالقرآن فإنه عربي» (طبرانی، ۱۴۰۴، ج ۹، ص ۱۳۹؛ بیهقی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۲۹)؛

د. حَدَّثَنَا عباد بن العوام، عن عبد الله بن سعيد بن أبي سعيد المقبري، عن أبيه، أو جده هكذا قال ابن مسعود قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «اعربوا القرآن فان من قرأ القرآن فأعربه فله بكل حرف عشر حسنات وكفارة عشر سيئات ورفع عشر درجات» (هیشمی، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۱۶۳؛ طبرانی، ۱۴۱۵، ج ۷، ص ۳۰۷)؛

ه. قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «من قرأ القرآن فأعربه كله فله بكل حرف أربعون حسنة فإن أعرب بعضه ولحن في بعضه فله بكل حرف عشرون حسنة وإن لم يعرب منه شيئاً فله بكل حرف عشر» (بیهقی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۲۸).

۴. تفسیرهای مختلف از این روایات

در شرح و تفسیر این روایات، محدثان و شارحان احادیث، احتمالات پرشمار و گوناگونی مطرح کرده‌اند که در مجموع می‌توان آنها را در سه تفسیر خلاصه و بیان کرد.

الف. تفسیر اول

طریحی روایت «أَعْرَبُوا الْقُرْآنَ» را به «بَيَّنُّوا مَا فِيهِ مِنْ غَرَائِبِ اللُّغَةِ وَبَدَائِعِ الْأَعْرَابِ» معنا کرده است (طریحی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۱۱۸). سیوطی نیز این معنا را برای روایت: «من قرأ القرآن فأعربه، كان له بكلّ حرف عشرون حسنة، ومن قرأه بغير إعراب كان له بكلّ حرف عشر حسنات» ارائه کرده و گفته است: مقصود از اعراب قرآن در این حدیث، شناخت معانی الفاظ قرآن است نه اعراب به معنای اصطلاحی؛ در مقابل لحن که خطای در اعراب است؛ زیرا قرائت قرآن بدون اعراب قرائت نیست و ثواب ندارد؛ در حالی که این روایت، برای قرائت قرآن بدون اعراب نیز ثواب ذکر کرده است (سیوطی، بی تا، ج ۲، ص ۳). برخی از دانشمندان اهل سنت مانند مبارکفوری (مبارکفوری، ۱۴۰۴، ج ۷، ص ۲۴۱) و عبدالباری (عبدالباری، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۹۵) نیز از سیوطی پیروی کرده و همین معنا را برای روایت بیان داشته‌اند. سیدعلی خان نیز دو احتمال در معنای این روایت طرح کرده و در احتمال اول «اعربوا» را به بیان کردن و روشن ساختن، معنا کرده و گفته است: «أَيُّ بَيَّنُّوا مَا فِيهِ مِنْ غَرَائِبِ اللُّغَةِ» (مدنی شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۲۹۵). بر اساس همین تفسیر در برخی از مقاله‌ها، واژه «اعربوا» در روایت «اعربوا القرآن والتمسوا غرائبها» به فهم اولیه کلمات معنا شده و روایت چنین ترجمه شده است: «قرآن را بفهمید و غرائب [حکم و معارف] آن را جست‌وجو کنید» (کمالی دزفولی، ۱۳۷۳). در مقاله‌ای دیگر این عبارت بدین شکل برگردان شده است: «در پی فهم قرآن برآید و لغت‌های ناآشنای آن را فراگیرید». نویسنده این مقاله در ترجمه روایت «من قرأ القرآن فأعربه كان له بكلّ حرف عشرون حسنة ومن قرأه بغير إعراب كان له بكلّ حرف عشر حسنات» می‌گوید: «هر کس قرآن را بخواند و در پی فهم آن برآید، در برابر هر حرفی بیست ثواب می‌برد؛ ولی کسی که آن را بدون درک معنا بخواند، در برابر هر حرف ده ثواب خواهد داشت» (میرجلیلی، ۱۳۹۰).

ب. تفسیر دوم

ملاصالح مازندرانی (م ۱۰۸۱) در شرح روایت «اعربوا القرآن فانه عربی» دو احتمال طرح کرده و در احتمال دوم گفته است: «أو من أعرب بكلامه اذا أفصح به و لم يلحن في حروفه و مواده» (مازندرانی،

۱. بیان کردن: «أعرب الكلام وأعرب به»: کلامش را بیان کرد؛ «أعرب بحجته»: دلیلش را آشکارا بیان کرد (ر.ک: جوهری، ۱۴۰۷، ماده عرب؛ ابن درید، ۱۳۶۷، ماده برع؛ همو، ۱۳۶۷، ص ۵۲۴؛ ابن منظور، بی تا، ماده عرب)؛ «أَعْرَبْتُ الْخَرْفَ»: حرف را واضح بیان کردم (فیومی، ۱۴۲۵، ماده عرب)؛ «أَعْرَبَ لِي»: کلامت را برایم بیان کن (زیبیدی، بی تا، ماده عرب). «أَعْرَبَ» در این معنا، به دو صورت متعدی بنفسه و متعدی بحرف استعمال شده است (فیومی، ۱۴۲۵، ماده عرب). نام‌گذاری حرکات آخر کلمات عرب به «اعراب» نیز از همین معنا گرفته شده است؛ زیرا با این حرکات معنای فاعل، مفعول، مبتدا، خبر، حال و تمیز روشن شده، معنای کلام واضح می‌گردد (ابن فارس، ۱۳۶۹، ماده عرب)؛

۲. عدم خطا در اعراب کلمات عرب: این معنا برای واژه اعراب در مقابل واژه لَحْن است که به معنای خطای در اعراب کلمات است (زمخشری، ۱۳۷۲، مبارک بن محمد، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۴۶۰). «أَعْرَبَ كَلَامَهُ» در جایی به کار می‌رود که متکلم کلامش را از نظر اعراب صحیح ادا کند و خطای در اعراب نداشته باشد (جوهری، ۱۴۰۷، ماده عرب؛ ابن قِطَاع، ۱۹۸۳، ج ۲، ص ۱۲۴؛ ابن منظور، بی تا، ماده لحن). اعراب به این معنا عبارت است از اثرِ ظاهر یا مقدری که به موجب عوامل مختلف در آخر کلماتِ مُعْرَبِ آورده می‌شود (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۳۹؛ صالح الفوزان، بی تا، ج ۱، ص ۲۷؛ حسن بن قاسم مرادی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۱۴۵)، و از این رو بدان اعراب گفته می‌شود که روشن‌کننده فاعل و مفعول و مبتدا و خبر در هیئت ترکیبی است؛ به گونه‌ای که اگر این حرکات نباشد، این امور برای مخاطب روشن نشده، مراد متکلم روشن نمی‌گردد (ابن جنی، بی تا، ج ۱، ص ۳۵). از این رو اعراب در اینجا به معنای تکلم به زبان عربی است (جوهری، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۱۷۰).

۳. یکی از اصطلاحات دیگر اعراب که بعدها رایج شد، علم نحو است. در اصطلاح دانشمندان نحوی به علمی که از احوال اواخر کلمات عرب از حیث اعراب، بناء و... بحث می‌کند (ابن سیده، ۱۴۲۱؛ ابن منظور، بی تا؛ زیبیدی، بی تا؛ ابن منظور، بی تا، ماده عرب) «علم اعراب» (زمخشری، ۱۹۶۹، ص ۱) می‌گویند. مقصود طبرسی از واژه «الاعراب» در عبارت: «إن الإعراب أجل علوم القرآن» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۰) (همانا اعراب، گران‌قدرترین علوم قرآن است)، این معناست؛

۴. تکلم کردن به کلام قبیح و ناسزا: «أعرب الرجل»: تکلم بالفحش (فراهیدی، ۱۴۰۹؛ فیومی، ۱۴۲۵؛ جوهری، ۱۴۰۷؛ زیبیدی، بی تا؛ ابن منظور، بی تا؛ ابن سیده، ۱۴۲۱، ماده عرب)؛

۵. صاحب فرزند عرب شدن: «أعرب الرجل، أي وُلِدَ له ولدٌ عربیٌّ» (جوهری، ۱۴۰۷، ماده عرب).

بنابراین اعراب دارای معانی پرشمار و گوناگونی است. از این رو لازم است در روایاتی که واژه اعراب و مشتقات آن به کار رفته است در هر مورد، معنای متناسب با آن به کمک قرینه تعیین شود.

۱۳۸۲، ج ۱۱، ص ۴۱؛ سپس این روایت را از نظر معنا مانند روایت: «اَقْرَأُوا الْقُرْآنَ بِاللَّحْنِ الْعَرَبِ وَأَصْوَاتِهَا» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۱۴) دانسته است. علامه مجلسی (م ۱۱۱۰) نیز همین احتمال را در معنای روایت: «اعربوا القرآن» نقل کرده و گفته است: «قیل المراد اقرءوها بالحن العرب كما مر، أي بیئوا فيه محسنات القراءة من التفتيح والترقيق والإدغام وغير ذلك» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۲، ص ۵۰۱). واژه «اعربوا» در این تفسیر نیز به معنای بیان کردن و روشن ساختن است، ولی روشن کردن حروف کلمات و ادای آنها از مخارج. وزان این روایت بر پایه این تفسیر، وزان آیه «رَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً» (مزم: ۴) خواهد بود؛ زیرا یکی از معانی ترتیل، تبیین حروف کلمه و پرهیز از تندخوانی و سرعت در قرائت است که موجب عدم ادای حروف از مخارج و روشن نشدن کلمات می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۶۶؛ ج ۱۰، ص ۵۶۹).

ج. تفسیر سوم

فیض کاشانی (م ۱۰۹۱) روایت «أعربوا القرآن فإنه عربي» را به «أفصحوا به وهذبوه عن اللحن» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۹، ص ۱۷۴۲) معنا کرده است. به قرینه «هذبوه عن اللحن»، معلوم می‌شود که وی «اعربوا» را در این روایت مشتق از اعراب اصطلاحی و به معنای پرهیز از خطا در اعراب دانسته است. بیهقی نیز همین معنا را از حلیمی نقل و اختیار کرده است. وی می‌گوید معنای روایت اعراب القرآن دو چیز است: نخست حفاظت و رعایت حرکات که به وسیله آنها زبان عرب از زبان عجم متمایز می‌شود؛ زیرا اکثر کلام عجم در حالت وصل و قطع بر سکون بنا شده است و فاعل و مفعول و ماضی و مستقبل از طریق حرکت کلمه تمییز داده نمی‌شود؛ و معنای دوم رعایت عین حرکات کلمات و عدم تبدیل آنها به حرکات دیگر است؛ زیرا عدم رعایت این امر نیز چه بسا سبب وقوع خطا در اعراب یا تغییر معنا می‌شود (بیهقی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۲۹).

سیدعلی‌خان در احتمال دوم خود این معنا را برای این روایت بیان کرده و گفته است: «أو اقرؤوه علی قواعد کلام العرب» (مدنی شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۲۹۵). احمد ابن فارس نیز پس از بیان نیازمندی فقیه به علم اعراب، گفته است: از رسول‌الله صلی الله علیه و سلم روایت شده است: «أعربوا القرآن»؛ چراکه پیشینیان از لحن و اشتباه در قرائت و کتابت همچون گناه پرهیز داشتند؛ اما اکنون مرتکب لحن می‌شوند؛ به گونه‌ای که محدث در اعراب حدیث و فقیه در کتابت و تألیف از نظر اعراب اشتباه دارد (ابن فارس، ۱۹۷۷، ج ۱، ص ۳۵). از این عبارت فهمیده می‌شود که ایشان نیز کلمه «اعربوا» در این روایت را به معنای اعراب دادن کلمات قرآن و با اعراب خواندن دانسته است.

صدرالدین شیرازی این معنا را در شرح روایت: «اعربوا حدیثنا» پذیرفته و گفته است:

ای لا تلحنوا فی اعراب الکلمات، واعطوا الکلمة اعرابها فانا قوم فصحاء وکلامنا فصیح، فاذا الحتمت فيه او اهلتمت فی اعرابه، اختلت فصاحته وفات المقصود من رعایته فیکون ظلما فيه وتفویضا لحقه (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۷۹).

معنای «اعربوا القرآن» برابر این تفسیر این است: قرآن را عربی بخوانید نه عجمی (غیرعربی). مقصود از عربی خواندن این است که الفاظ قرآن را بنا بر قواعد علم نحو با حرکات صحیح قرائت کنید، نه مانند کلمات فارسی که بدون حرکت آخر و به صورت سکون خوانده می‌شوند.

۵. بررسی معنای روایات

با توجه به اینکه فضای صدور، یکی از قرائن مهم در فهم معنا و مقصود روایت است، لازم است برای فهم درست این روایات نخست با فضای صدور آنها آشنا شویم. از این رو پیش از هرگونه قضاوت در انتخاب معنای این واژه و بیان مقصود از این روایات، برخی از گزارش‌هایی را که درباره فضای صدور این روایات در منابع روایی وارد شده‌اند یادآور می‌شویم.

فضای صدور

گزارش‌هایی که در کتاب‌های روایی و تاریخی در موضوعات گوناگون مانند: کیفیت قرائت قرآن، ثواب قرائت قرآن، تحسین صوت قرآن، مدت زمان ختم قرآن، لزوم اعراب قرآن و تاریخ وضع علم نحو وارد شده‌اند، حاکی از دو مشکل مهم درباره قرائت و تلاوت قرآن هستند. این دو مشکل نشان‌دهنده فضای صدور این روایات‌اند.

مشکل اول: خطا در قرائت قرآن و اشتباه در حرکات اعرابی که از آن به لحن تعبیر می‌شده است: این امر، سبب خطا در معنای آیات قرآن و گاه دگرگونی معنای آیه می‌شده است. ابن ابی‌ملکیه در این زمینه می‌گوید: فردی از بادیه‌نشینان در زمان عمر به مدینه آمد و تقاضا کرد که به او قرآن بیاموزند. یکی از مسلمانان این وظیفه را به عهده گرفت و آیاتی از سوره توبه را برای او قرائت کرد که مشتمل بر جمله «أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ» بود. این قاری کلمه «رسوله» را که اعراب آن نصب است، به جرّ لام قرائت کرد که معنای آیه به کلی تغییر یافت. آن عرب بیابانی گفت: اگر خداوند از رسولش بیزار است، من از او بیزارترم. این سخن به گوش عمر رسید. او را خواست و به او گفت: آیا تو از پیامبر ﷺ تبری جسته‌ای؟ مرد پاسخ داد: من وارد

مدینه شدم و از قرآن چیزی نمی دانستم؛ از مسلمانان خواستم قرآن به من بیاموزند. فردی برای من آیه «أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ» را تلاوت کرد و من گفتم کسی که خدا از وی بری باشد من از او بری ترم. عمر به او گفت این قرائت خطاست و آیه را با اعراب درست برای وی تلاوت کرد. فرد تازه مسلمان گفت: من و خدا و رسول از کسی که خدا و رسول از وی بری باشند، بیزار هستیم. بر همین اساس عمر دستور داد کسی که به قرائت قرآن تسلط ندارد، به دیگران تعلیم نکند (سیوطی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۱۳۰). در خبر دیگر آمده است: عمر از کنار گروهی عبور کرد که تیراندازی می کردند و تیرشان به خطا می رفت. وقتی آنان را بر خطا در تیراندازی سرزنش کرد، آنان در مقام عذرخواهی گفتند: «نحن قوم متعلمین»؛ در حالی کلمه «متعلمین» در این عبارت صفت قوم است و طبق قاعده لغت عرب باید آن را به شکل مرفوع ادا می کردند و می گفتند: «متعلمون». عمر در پاسخ آنان گفت: گناه شما از جهت خطا در اعراب این گفتار، بدتر از گناه از جهت خطا در تیراندازی است. سپس به آنان گفت از رسول خدا شنیدم که فرمود: خدا رحمت کند کسی را که زبانش را از خطا اصلاح کند (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۳۹۸؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۵۴). گزارش دیگری حاکی از این است که ابن عمر فرزندش را به سبب خطا در اعراب کلمات تنبیه می کرد (ابی شیبه، ۱۴۰۹، ج ۱۰، ص ۴۵۷؛ بخاری، ۱۴۰۹، ص ۳۰۴؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۵۴). در گزارشی آمده است به حسن بصری گفتند امام جماعت ما در قرائت خطا دارد. در پاسخ آنان گفت: نباید امامت کند (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۵۴). این مشکل درباره نقل روایات نیز وجود داشته است. اصمعی گفته است:

بیشترین چیزی که درباره آن بر دانشجوی ناآگاه از قواعد نحو می ترسم این است که مصداق روایت: «من كَذَّبَ عَلَىٰ فُلَيْتَوًا مَّقْعَدَةَ مِنَ النَّارِ» واقع شود؛ زیرا پیامبر ﷺ در گفتارش لحن ندارد. وقتی راوی سخنی با لحن و خطا نقل کند، چیزی را از پیامبر ﷺ نقل می کند که آن حضرت نفرموده است و از کسانی می شود که بر پیامبر ﷺ دروغ بسته است (العینی، بی تا، ج ۳، ص ۲۶۹).

به همین سبب بود که حماد بن سلمه به مردم گفت کسی که در حدیث خطا می کند از من حدیث نقل نکند (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۵۴). خطا و لحن در خواندن قرآن سبب شد که وقتی ابوالاسود دؤلی بر امیرالمؤمنین ﷺ وارد شد، آن حضرت پس از آنکه کلام عرب را در سه قسم: اسم و فعل و حرف برای وی بیان کرد، به او فرمود: شنیده ام در منطقه شما خطاهای فاحش در قرائت وجود دارد؛ از این رو دوست دارم کتابی بنویسم و قواعدی برای کلام عرب تنظیم کنم که با رعایت

آن، میان کلام عرب و کلام غیرعرب تفاوت باشد. پس به او دستور داد بر کلیاتی که به وی تعلیم فرموده، مطالبی بیفزاید و قواعدی را در این باب تدوین کند (مفید، ۱۴۱۳، ص ۹۱). به این سبب امامان ﷺ مردم را به یاد گرفتن لغت عرب برای مصون ماندن از خطا در قرائت قرآن تشویق می کردند. از امام صادق ﷺ روایت شده است: «تعلّموا العربیة؛ فإنها کلام الله الذی تکلم به خلقه» (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۵۸). از این نقل ها به خوبی روشن می شود که یکی از مشکلات مردم در صدر اسلام، خطا در اعراب کلمات قرآن و لحن در قرائت قرآن بوده و برخی روایات که در آنها به اعراب قرآن امر شده، در این فضا صادر و به این مشکل ناظر بوده است.

مشکل دوم، عجله و سرعت در قرائت قرآن و تندخوانی بود. این امر مستلزم به هم ریختن کلمات قرآن و عدم ادای حروف از مخارج و درنگ نکردن در معانی آیات قرآن بود. روایاتی که مردم را به شمرده خواندن قرآن و تأمل در آن امر کرده اند، حاکی از وجود این مشکل در میان مردم هستند. در آیه چهارم سوره مزمل، پیامبر ﷺ نیز به ترتیل و شمرده خوانی قرآن امر شده است و لذا وقتی از عایشه درباره قرائت رسول خدا ﷺ پرسیدند، عایشه گفت: قرائت حضرت به گونه ای بود که اگر شنونده ای می خواست حروف آیات را بشمارد می توانست (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۶۳۸). این آیه گرچه خطاب به پیامبر ﷺ است، دستورش عام است و همه مردم را شامل می شود و به شمرده خوانی قرآن امر می کند. عبدالله بن سلیمان می گوید: از حضرت صادق ﷺ درباره گفتار خدای عز و جل (که می فرماید): «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیلاً» پرسیدم. فرمود: امیرالمؤمنین ﷺ فرموده:

یعنی آن را خوب بیان کن و همانند شعر آن را به شتاب و با سرعت بخوان، و مانند ریگ (هنگام خواندن) آن را پراکنده مساز؛ بلکه دل های سخت خود را به وسیله آن به بیم و هراس افکنید، و همت شما این نباشد که سوره را به آخر رسانید (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۱۴).

همچنین از امیرالمؤمنین ﷺ روایت شده:

«ترتیل» یعنی قرآن را به روشنی بیان کن نه مانند اشعار، تند و پیاپی بخوان و نه مانند دانه های شن آن را پراکنده ساز، و چنان بخوان که دل های سنگین را با آن بکوبی و بیدار کنی، و هرگز هدفتان رسیدن به آخر سوره [تمام کردن آن] نباشد (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۵۱۷).

همچنین وقتی راوی از امام صادق ﷺ می پرسد: آیا جایز است قرآن را در یک شب ختم کنم؟ حضرت می فرماید: دوست ندارم قرآن در کمتر از یک ماه ختم شود. ابوبصیر نیز از آن حضرت پرسید در ماه رمضان شبی یک ختم داشته باشم؟ حضرت فرمود: نه. پرسید در دو شب چگونه است؟ حضرت

دوباره پاسخ منفی داد. پرسید در سه شب چطور؟ حضرت پاسخ مثبت داد و فرمود: اصحاب پیامبر ﷺ قرآن را در یک ماه و کمتر ختم می‌کردند و قرآن نباید تند و به‌سرعت خوانده شود (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۱۷). در بخشی از روایتی که از امام باقر^ع گزارش شده نیز آمده است که حضرت فرمود:

إِذَا قَرَأْتُمُ الْقُرْآنَ فَبَيِّنُوهُ بَيِّنَاتًا وَلَا تَهْذُوهُ هَذَا كَهَذَا الشَّعْرُ وَلَا تَنْثَرُوهُ نَثْرَ الرَّمْلِ وَلَكِنْ أَقْرَعُوا لَهُ الْقُلُوبَ الْقَاسِيَةَ وَلَا يَكُنْ هُمْ أَحَدُكُمْ آخِرَ السُّورَةِ وَأَقْرَعُوهُ بِالْحَانَ الْعَرَبِ وَأَصْوَاتِهَا وَإِيَّاكُمْ وَلِحُومِ أَهْلِ الْكِبَائِرِ (دیلمی، ۱۴۰۸، ص ۱۰۰).

شرح و تفسیر

با توجه به فضای صدور، می‌توان روایات اعراب القرآن را به دو دسته تقسیم کرد و هر کدام را به یکی از مشکلاتی که بیان شد ناظر دانست و در نتیجه دو معنا و دو تفسیر برای این روایات بیان کرد:

تفسیر اول: گروهی از این روایات مانند روایت «اعربوا القرآن»، «اعربوا القرآن فانه عربی» و «اعربوا القرآن والتمسوا غرائب» ناظر به مشکل اول‌اند، و واژه «اعربوا» در آنها به قرینه تعلیل «فانه عربی» که در ذیل برخی از آنها آمده، به معنای خواندن قرآن با اعراب و طبق قواعد لغت عرب است؛ زیرا عربی، مانند فارسی و ترکی و... صفت لغت است. بنابراین اگر لغت قرآن عربی است، باید کلمات و عبارات آن طبق لغت عربی ادا، و قواعد اعراب در آن رعایت شوند.

این امر و سفارش، نه تنها درباره قرائت قرآن، بلکه در زمینه نقل و روایت احادیث اهل‌بیت نیز مطرح بوده است. از این رو اهل‌بیت در سفارش به اعراب احادیث فرموده‌اند: «أَعْرَبُوا حَدِيثَنَا؛ فَإِنَّا قَوْمٌ فُصْحَاءُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۳۱) و «أَعْرَبُوا كَلِمَاتَنَا فَإِنَّا قَوْمٌ فُصْحَاءُ». محدثان و شارحان حدیث، «اعربوا» در این روایات را نیز به قرینه تعلیل به «فَأِنَّا قَوْمٌ فُصْحَاءُ»، به اعراب به معنای اعراب دادن کلمات و معرب خواندن آنها معنا کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۵۰؛ مجلسی اول، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۷۲). این امر نیز می‌تواند مؤیدی باشد بر اینکه این دسته از روایات اعراب القرآن، ناظر به مشکل لحن و خطا در قرائت قرآن بوده‌اند و اعراب در آنها به معنای معرب خواندن کلمات قرآن است.

ممکن است گفته شود این تفسیر برای روایت «اعربوا القرآن» و روایت «اعربوا القرآن فانه عربی»، که اولی مطلق و دومی معلل به «فانه عربی» است درست است؛ اما برای روایت سوم که در آن جمله «التمسوا غرائب» آمده درست نیست؛ زیرا این جمله ناظر به معنا و محتوای نه ناظر به لفظ و نحوه قرائت و لذا با روایات دسته بعد سازگارتر است. پاسخ این است که جمله «التمسوا غرائب» جمله‌ای مستقل با فعل جداگانه و مستقل است که با واو بر جمله: اعربوا القرآن عطف شده و ظاهرش این است

که در آن، دو درخواست و دو مطلوب وجود دارد: یکی اعراب کلمات و معرب خواندن قرآن و دوم فهم معنای کلمات. از این رو حمل «اعربوا» در این روایت، بر فهم معنای کلمات، به قرینه «التمسوا» که مستلزم اتحاد مطلوب در روایت و عطف تفسیری بودن التمسوا برای اعربوا است، خلاف ظاهر است؛ بدون اینکه بر آن قرینه‌ای وجود داشته باشد.

بنابراین معنای این دسته از روایات این است که قرآن را به عربی و با اعراب صحیح بخوانید؛ زیرا قرآن به عربی نازل شده است. شاید بر اساس همین تفسیر باشد که در برخی از نگاشته‌ها روایت «أَعْرَبِ الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ عَرَبِيٌّ» به این صورت ترجمه شده است: «عربانه بخوان قرآن را؛ چه به‌درستی که قرآن زبان عرب است» (مختاری و صادقی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۱۶۲۷). در برخی از موارد نیز آن را به این صورت ترجمه کرده‌اند: «قرآن را (فصیح و با لحن) عربی بخوانید؛ زیرا قرآن به زبان عربی است».

(www.andisheqom.com/Files/qurantalavat.php)

این ترجمه‌ها گرچه غلط نیستند، روشنی و دقت کافی را ندارند؛ زیرا «عربانه بخوانید» یا «عربی بخوانید» چیزی را روشن نمی‌کند؛ چنان‌که ترجمه روایت: «اعربوا القرآن والتمسوا غرائب» به اینکه: «قرآن را نیکو ادا کنید و عجایب و شگفتی‌های آن را پی‌جویی کنید» (معارف، ۱۳۸۳، ص ۲۱) نیز ترجمه دقیقی نیست؛ زیرا نیکو خواندن، شامل نیکویی در تجوید نیز می‌شود؛ در حالی که مراد از «اعربوا» این معنا نیست.

تفسیر دوم: گروه دیگری از این روایات ناظر به مشکل دوم، و واژه «اعربوا» در آنها به معنای بیان کردن و روشن ساختن هستند. امر به اعراب قرآن در این گروه از روایات، برای برطرف کردن مشکل تندخوانی و عدم تأمل در آیات، و تحریض مردم به تأمل در معنای کلمات قرآن و فهم معنای آیات صادر شده است. این روایات عبارت‌اند از روایاتی که پس از امر به اعراب، میان قرائت با اعراب و قرائت بدون اعراب مقایسه کرده‌اند و ثواب قرائت با اعراب را بیشتر دانسته‌اند (هیشمی، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۱۶۳؛ طبرانی، ۱۴۱۵، ج ۷، ص ۳۰۷)؛ مانند روایت رسول‌الله ﷺ که فرمود:

من قرأ القرآن فأعربه كله فله بكل حرف أربعون حسنة فإن أعرب بعضه ولحن في بعضه فله بكل حرف عشرون حسنة وإن لم يعرب منه شيئاً فله بكل حرف عشر (بيهقي، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۲۸).

واژه «أَعْرَبَهُ» در این روایت به قرینه وقوع در سیاق «فإن أعرب بعضه ولحن في بعضه» و ذکر ثواب متفاوت برای خواندن با اعراب و بدون اعراب، به معنای خواندن آیه و اظهار و بیان معنای آن است. به این سبب، لحن در اینجا به معنای با سرعت خواندن قرآن و توجه نکردن به معنا و مفاد آن است.

آوردیم که عمر فرزندش را به سبب لحن در گفتار کتک می‌زد و حسن بصری کسی را که در قرائت نماز لحن داشت از امامت جماعت ممنوع کرد. افزون بر اینکه روایاتی که شیعه دربارهٔ اعراب القرآن از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل کرده است مربوط به قرن دوم است و در این قرن، اعراب به اصطلاح نحوی و رعایت قواعد نحو در حرکت آخر کلمات مصطلح شده بود.

نتیجه‌گیری

روایات امر به اعراب قرآن را می‌توان به دو گروه تقسیم و شرح و معنا کرد: گروه اول روایاتی که به طور مطلق به اعراب القرآن امر کرده‌اند. واژه «اعربوا» در این روایات، به معنای اصطلاحی و در مقابل لحن است؛ مانند روایات: «اعربوا القرآن»؛ «اعربوا القرآن» و «اعربوا القرآن»؛ «اعربوا القرآن فانه عربی». گروه دوم روایاتی‌اند که پس از امر به اعراب، ثواب قرائت با اعراب و بدون اعراب را بیان کرده‌اند. «اعربوا» در این روایات به معنای بیان کردن و تفسیر است؛ مانند روایت «اعربوا القرآن فان من قرأ القرآن فأعربه فله بكل حرف عشر حسنات وكفارة عشر سيئات ورفع عشر درجات» (هیثمی، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۱۶۳؛ طبرانی، ۱۴۱۵، ج ۷، ص ۳۰۷) و روایت «من قرأ القرآن فأعربه كله فله بكل حرف أربعون حسنة فإن أعرب بعضه ولحن في بعضه فله بكل حرف عشرون حسنة وإن لم يعرب منه شيئاً فله بكل حرف عشر» (بیهقی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۲۸).

مؤید این معنا روایات دیگری از اهل سنت است که کلمهٔ اعراب در آنها به معنای تأمل و درنگ در معنای آیات است. از ابوبکر نقل شده است: «لأن أعرب آية من القرآن أحب إلى من أن أحفظ آية» (سیوطی، الاتقان، ج ۴، ص ۱۹۸). از برخی اصحاب پیامبر نیز روایت شده است: «لو أني أعلم إذا سافرت أربعين ليلة أعربت آية من كتاب الله لفعلت» (همان). همچنین از عمر نقل می‌کنند که گفت: «من قرأ القرآن فأعربه كان له عند الله أجر شهيد» (همان). کلمه اعراب در این گزارش‌ها به معنای بیان و تفسیر آیات است نه به معنای اعراب دادن کلمات طبق قواعد عربی. از این‌رو از ابن عباس روایت شده که شخصی از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید کدام یک از علوم قرآن افضل است؟ حضرت فرمود: «عربيته فالتمسوها في الشعر» (ابن عطیة، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۸). مراد از «عربیت» در این روایت به قرینه «فالتمسوها في الشعر» فهم معنای کلمات قرآن است که ابن عباس در مسائل نافع بن الازرق با استناد به اشعار عرب، برخی از معانی کلمات قرآن را بیان کرده است.

نقد گفتار سیوطی

سیوطی ذیل روایت: من قرأ القرآن فأعربه كان له بكل حرف عشرون حسنة ومن قرأه بغير إعراب كان له بكل حرف عشر حسنات می‌گوید مراد از اعراب، شناخت معانی الفاظ قرآن است نه اعراب به اصطلاح نحو که مقابل لحن است؛ زیرا قرائت قرآن بدون اعراب ثواب ندارد (سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳). این قرینه‌ای که سیوطی برای انتخاب معنای اعراب ذکر کرده است، اگر برای روایاتی باشد که امر به اعراب در آنها مذیل به این ذیل است، سخن درستی است و ما هم اعراب در این‌گونه روایات را به همین معنا گرفتیم؛ اما سیوطی اعراب در همهٔ این روایات را به معنای تفسیر و بیان می‌داند، نه خصوص روایاتی که در آنها برای قرائت با اعراب ثواب بیان کرده است. ایشان در فصل «شرف تفسیر» روایات اعراب القرآن را ذکر می‌کند و می‌گوید: معنای این روایات به نظر من بیان و تفسیر قرآن است؛ زیرا اطلاق اعراب بر حکم نحوی، اصطلاح حادث است (همان، ص ۴۶۵).

این سخن سیوطی، از جهاتی درخور تأمل است:

اولاً خود سیوطی و محدثان دیگر اهل سنت گزارش‌هایی از عمر و ابوبکر نقل کرده‌اند که مردم در قرائت قرآن خطای نحوی داشتند و اعراب آن را غلط می‌خواندند. این گزارش‌ها حاکی از این است که درست و غلط خواندن قرآن در زمان نزول نیز مطرح بوده است؛

ثانیاً بر فرض که اعراب به معنای نحوی، اصطلاح حادثی باشد؛ اما لحن به معنای خطای در اعراب بین مردم زمان نزول رایج بوده است و لذا در گزارش‌هایی که دربارهٔ شأن صدور روایات بیان شد،

منابع

- شریف رضی، محمدبن حسین، ۱۴۱۴ق، *نهج البلاغة*، قم، دار الهجره.
- آلوسی، محمود، ۱۴۱۵ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن ابی شیبہ، ۱۴۰۹ق، عبدالله بن محمد، *المصنف*، تحقیق: سید محمد اللحام، بیروت، دار الفکر.
- ابن ادریس، محمد بن احمد، ۱۴۱۰ق، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی* (والمستطرفات)، قم، جماعه المدرسین.
- ابن جنی، ابوالفتح عثمان، بی تا، *الخصائص*، تحقیق: محمد علی النجار، بیروت، عالم الکتب.
- ابن درید، محمد بن حسن، ۳۶۷ق، *جمهرة اللغة*، بی جا، دار العلم للملایین.
- ، بی تا، *الاشتقاق*، چ سوم، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قاهره، مکتبه الخانجی.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل، ۱۳۸۲ق، *المحکم والمحیط الأعظم*، قاهره، معهد المخطوطات العربیه.
- ابن فارس، احمد، ۱۳۶۹ق، *معجم مقاییس اللغة*، بی جا، دار الاسلامیه.
- ابن فارس، احمد، ۱۹۷۷م، *الصاحی فی فقه اللغة*، تحقیق: احمد صقر، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه.
- ابن قطاع، علی بن جعفر سعدی، ۱۹۸۳م، *کتاب الافعال*، بیروت، عالم الکتب.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، بی تا، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
- ابن هشام، عبدالله بن یوسف، بی تا، *أوضح المسالك إلى ألفية ابن مالک*، تحقیق: محمد محیی الدین عبدالحمید، بیروت، لبنان، المکتبه العصریه.
- ، ۱۳۸۳ق، *شرح قطر الندی وبل الصدی*، تحقیق: محمد محیی الدین عبدالحمید، قاهره، بی تا.
- ابی یعلی، احمد بن علی بن مثنی، ۱۴۰۴ق، *مسند ابی یعلی*، تحقیق: حسین سلیم اسد، دمشق، دار المأمون للتراث.
- اندلسی، ابو حیان، ۱۴۲۲ق، *تفسیر البحر المحیط*، تحقیق: عادل احمد عبدالوجود و علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- بحرالعلوم، سیدمهدی، ۱۴۰۵ق، *الفوائد الرجالیة*، تهران، مکتبه الصادق ❖.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان، ۱۴۱۶ق، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، ۱۴۰۹ق، *الأدب المفرد*، چ سوم، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دار البشائر الإسلامیه.
- بیهقی، احمد بن حسین، ۱۴۱۰ق، *شعب الایمان*، تحقیق: محمد السعید بسینونی زغلول، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- جواد علی، ۱۴۲۲ق، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام*، چ چهارم، مدینه، دار الساقی.
- جَوَجَری قاهری، محمد بن عبدالمنعم، ۱۴۲۳ق، *شرح شذور الذهب فی معرفة کلام العرب*، تحقیق: نواف بن جزاء الحارثی، مدینه، عمادة البحث العلمی بالجامعة الإسلامیه.
- جوهری، اسماعیل، ۱۴۰۷ق، *صحاح*، بیروت، دار العلم للملایین.

- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، ۱۴۱۱ق، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، تحقیق: مؤسسه آل البیت ❖ لاحیاء التراث، قم، مؤسسه آل البیت ❖.
- ، ۱۴۱۸ق، *الفصول المهمه فی اصول الاثمه*، تحقیق: محمد بن محمد حسین قائینی، بی جا، مؤسسه معارف اسلامی امام رضا ❖.
- ، ۱۴۲۵ق، *اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*، بیروت، اعلمی.
- دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۰۸ق، *اعلام الدین فی صفات المؤمنین*، قم، مؤسسه آل البیت ❖.
- زبیدی، محمد مرتضی، بی تا، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، مکتبه الحیاء.
- زمخشری، محمود بن عمر، ۱۳۷۲ق، *اساس البلاغة*، قاهره، احیاء المعاجم العربیه.
- ، ۱۹۶۹م، *القسطاس المستقیم فی علم العروض*، تصحیح: بهیجه الحسنی، بغداد، مکتبه اندلس.
- ، ۱۴۰۷ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، چ سوم، بیروت، دار الکتب العربی.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۳۶۵ق، *الدر المنثور فی التأویل بالمأثور*، جده، دار المعرفه.
- ، ۱۴۱۰ق، *الجامع الصغیر*، بیروت، دار الفکر.
- ، بی تا، *الإتقان فی علوم القرآن*، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بی جا، شریف رضی.
- ، بی تا، *جامع الأحادیث*، بی جا، المکتبه الشامله.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، ۱۴۰۹ق، *میه المریده*، تحقیق: رضا مختاری، قم، مکتب الإعلام الإسلامی.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۸۳، *شرح اصول کافی*، تهران، بی تا.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۳۶۲، *الخصال*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، ۱۴۱۵ق، *المعجم الأوسط*، تحقیق: طارق بن عوض الله بن محمد، قاهره، دار الحرمین.
- ، ۱۴۰۴ق، *المعجم الكبير*، چ دوم، تحقیق: حمدی بن عبدالمجید السلفی، موصل، مکتبه العلوم والحکم.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصرخسرو.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۶۴، *مجمع البحرین*، بی جا، دار و مکتبه الهلال.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ق، *الأمالی*، تصحیح: مؤسسه البعثة، قم، دار الثقافة.
- عاملی، حسن بن زین الدین، ۱۳۶۲، *منتقى الجمعان*، تصحیح و تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی التابعه لجامعة المدرسین.
- عبدالباری، عبدالمجید، ۱۴۲۶ق، *الروایات التفسیریة فی فتح الباری*، بی جا، بی تا.
- العینی، محمود بن احمد، بی تا، *عمدة القاری شرح صحیح البخاری*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، *کتاب العین*، چ دوم، تحقیق: مهدی مخزومی و ابراهیم شاعرانی، قم، دار الهجره.
فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۰۶ق، *الوافی*، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام.
—، ۱۴۱۵ق، *تفسیر صافی*، تهران، صدر.

فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۰۵ق، *مصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر*، قم، دار الهجره.
قاسم بن سلام، ابو عبید، ۱۴۱۵ق، *فضائل القرآن*، تحقیق: مروان العطیة، محسن خرابه و وفاء تقی الدین، بیروت، بی نا.
قرطبی، محمد بن احمد، ۱۴۲۳ق، *الجامع لأحكام القرآن*، تحقیق: هشام سمیر بخاری، ریاض، دار عالم الکتب.
کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *کافی*، تحقیق: علی اکبر غفاری، چ چهارم، تهران دار الکتب الاسلامیه.
مازندرانی، محمد صالح بن احمد، ۱۳۸۲ق، *شرح کافی (الأصول و الروضة)*، تحقیق: ابوالحسن شعرانی، تهران، المكتبة الإسلامية.

مبارکفوری، عبیدالله بن محمد، ۱۴۰۴ق، *مرعاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح*، چ سوم، بی جا، الجامعة السلفية، ادارة البحوث.

متقی هندی، ۱۴۰۱ق، *کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال*، تحقیق: بکری حیانی و صفوة سقا، بی جا، مؤسسة الرسالة.

مجلسی اول، محمدتقی، ۱۴۱۴ق، *لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه*، چ دوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ق، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، چ دوم، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، تهران، دار الکتب الإسلامية.

—، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، چ دوم، بیروت، مؤسسه الوفاء.

—، ۱۴۱۰ق، *بحار الأنوار*، بیروت، مؤسسة الطبع و النشر.

مجید معارف، ۱۳۸۳، *پرسش و پاسخ های در شناخت تاریخ و علوم قرآنی*، تهران، کویر.

محدث قمی، شیخ عباس، بی تا، *الکنى واللقاب*، تهران، مكتبة صدر.

مختاری، رضا و محسن صادقی، ۱۴۱۹ق، *غنا، موسیقی*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

مدنی شیرازی، سیدعلی خان، ۱۳۸۴، *الطراز الأول و الكنز لما علیه من لغة العرب المعول*، مشهد، بی نا.

مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ق، *الفصول المختارة*، تصحیح: علی میرشریفی، قم، کنگره شیخ مفید.

نوری، میرزاحسین، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل*، لبنان، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

هیثمی، نورالدین، ۱۴۰۸ق، *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، بیروت، دار الکتب العلمیه.